

شعر آیینی

باید اسوه بسازد

کارگاه «شب‌های پروانه‌ای» در سروستان باغ کتاب زیر نظر ناصر پروانی برگزار شد. در ابتدای جلسه پروانی درباره معنی اسطوره بیان داشت اسطوره افسانه و قصه است. اسطوره در اصطلاح آینه روح بشر است و اسطوره‌ها را نمی‌توان به درستی تجزیه و تحلیل کرد.

اسطوره را باید داستان و سرگذشتی مینوی دانست که شرح عمل، عقیده یا یک نهاد است که دست‌کم بخشی از آنها از سنت‌ها و روایات‌ها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوند ناگسستنی دارد. اسطوره داستان‌هایی ذهنی‌اند که حقایق ژرف‌رادر خود دارند و نگرش‌های جمعی به مسائل بنیادین مانند مرگ، حیات و هستی را بیان می‌کنند. مسأله مرگ، آفرینش، خداوند و... بحث‌هایی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول داشته است. اسطوره‌های ملی هر منطقه می‌تواند بر ادبیات آن کشور نقش سازنده داشته باشد. اگر ادبیات آینه‌ای تصور کنید اسطوره تصویر آن است که فرهنگ جامعه را نشان می‌دهد. او در ادامه گفت: قالب مثنوی قالب خوبی برای مدح می‌تواند باشد. عمدتاً اسطوره‌های ما در مدح‌ها در قالب مثنوی تبلور پیدا می‌کند. چون وقتی قرار است حرف زیاد بزنیم نیاز داریم که محدود به قافیه و مطالب دیگر نشویم، پس قالب مثنوی قالب خوبی برای مدح است.

اگر به شعر آیینی تسلط نداشته باشیم حق ورود به آن را نداریم. شعر آیینی باید اسوه بسازد نه اسطوره، چراکه در شعر آیینی بناست روایتی را نشان دهیم که با توجه به اسناد تاریخی و رویدادهای واقعی پذیرفته شده باشد و جنبه نهایی انسانی و بشری را بیان کنیم.

در شعر آیینی در محدوده‌ای که اجازه داریم با ظرایف شاعرانه می‌توانیم حرکت کنیم و از سیره معصومین و انبیا و اولیا بگوییم.

در این جلسه علاوه بر بحث در زمینه اسطوره و شعر آیینی، به ویژگی‌های قالب مثنوی هم گریزی زده شد و علاوه بر استاد پروانی، دانشجویان و حضار هم به شعرخوانی پرداختند.

این جلسه که در فضای اصلی باغ کتاب تهران شد همچون همیشه علاوه بر شاعران، دانشجویان و... میزبان برخی از افراد رهگذار و بازدیدکنندگان باغ‌کتاب هم بود.

ناصر پروانی متولد شانزدهم تیرماه ۱۳۵۹، دکتری مدیریت دولتی، شاعر در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و فعال در زمینه ادبیات و شعر است که سابقه نگارش بیش از ۲۵ جلد کتاب را دارد.

کارگاه شعر شب‌های پروانه‌ای که برای پنجمین سال برگزار می‌شود، به صورت ماهانه توسط کانون‌های فرهنگی دانشگاه شهید بهشتی و باتلاش دانشجویان زیر نظر ناصر پروانی برگزار می‌شود.

در شماره ۲۱۵ قفسه کتاب، سمیه جمالی با او گفتگویی انجام داد که حاوی نکاتی از فعالیت‌های او بود.



نگاهی گذرا به رمان «سلام زیبا» به قلم «آن ناپولیتانو»

خواهران‌های زیبا

می‌بافند؛ رویاهایی که بر اثر بازی‌های سرنوشت چنان که آنها انتظار داشتند پیش نمی‌رود.

رمان «سلام زیبا» یک اثر ادبی صادق است، یعنی مطابق تجربه و طبیعت انسان است. رمانی نیست که پر از حادثه و اتفاق‌های عجیب و غریب باشد، نویسنده دست‌گذاشته روی همین روابط به ظاهر ساده، ولی پیچیده خانوادگی، طوری که هر خواننده‌ای می‌تواند قسمتی از وجودش را در رمان بیابد و نیز می‌تواند حقیقت درونی خود را در شخصیت‌های رمان پیدا کند؛ همان حقیقت و فردیتی که به تعداد انسان‌های روی زمین متفاوت است. اگر هدف ادبیات را بهبود زندگی انسان‌ها و ترویج ارزش‌های انسانی بدانیم، سلام زیبا یک اثر موفق است.

ژاک لاکان برخلاف فروید به چیزی به عنوان «خود» ثابت در وجود انسان‌ها باور دارد؛ خودی که دارای ارزش‌های انسانی از جمله اراده آزاد و اختیار است. بعد از پایان رمان «سلام زیبا» خواننده به فکر فرومی‌رود و مدام در حال سبک سنگین کردن رفتارها و انتخاب‌های شخصیت‌هاست، چرا که آدم‌های رمان که هر کدام شخصیت‌شان زاینده شرایط زندگی و رفتارهای خانواده‌شان است اگر کمی بیشتر در انتخاب آدم‌های روبه‌رویشان و رفتارشان تأمل می‌کردند کمتر هم خودشان و هم فرزندان‌شان و اعضای خانواده‌شان آسیب‌های روانی می‌دیدند. تا جایی که من دیدم رمان «سلام زیبا» دو ترجمه در بازار کتاب ایران دارد که اساس یادداشت من ترجمه خانم بیتا قوچانی از نشر کانیا بود؛ ترجمه‌ای روان و یکدست که تعلیق و حس صمیمیت بین خواهرها در آن به دقت حفظ شده است.



الهام اشرفی

نویسنده
و ویراستار

خانم آن ناپولیتانو، نویسنده جوان آمریکایی است و رمان «سلام زیبا» ی که تازه‌ترین اثر اوست، مدتی جزو پرفروش‌ترین‌های مجله نیویورکر بوده است. حال آنکه پرفروش‌های نیویورکر همه رمان‌های خیلی خوبی باشند، ولی لااقل نشانه این است که به هر دلیل آن رمان مورد اقبال عموم مردم قرار گرفته. به نظرم نکته مهم و پررنگی که باعث دیده شدن این رمان عاطفی و خانوادگی شده این است که رمان بر اساس زندگی چهار خواهر پیش می‌رود.

به نظرم تنها همین اشاره کردن به عنوان چهار خواهر ذهن هر خواننده جدی ادبیات را به سمت رمان «زنان کوچک» نوشته لوییزامی الکات می‌برد؛ همان رمان کلاسیک آمریکایی که سرنوشت چهار خواهر را در سال‌های جنگ‌های داخلی آمریکا روایت می‌کند و به قدری از روی آن سریال و انیمیشن ساخته شده است که چهار خواهر به اندازه سیاستمداران و سلبریتی‌ها معروفند. خانم نویسنده، آن ناپولیتانو نیز به خاطر

علاقه قلبی و شخصی‌اش به این رمان، در رمانش زندگی چهار خواهر را روایت می‌کند. چهار خواهر با خلق و خوها و گرایش‌های اجتماعی و روحی متفاوت، با قهر و آشتی‌ها و محبت و خشم‌های متداول بین تمام خواهرهای دنیا و البته با پیوند عمیق و پرمهر بین‌شان. چهار خواهر همان‌طور که در خانه کوچک‌شان شب‌هاتنگ هم می‌خوانند و شباهت واقعی با احتمالی‌شان با چهار خواهر زنان کوچک حرف می‌زنند و رویا

📖 به قلم نوجوان

■ نگاهی به کتاب «دکتر عروسک‌ها» به قلم ناهید رحیمی

جدی گرفتن خیالات کودکی

کرد صدا از آشپزخانه یا از تلویزیون است، اما کمی که بیشتر دقت کرد فهمید صدا از طرف اتاقش می‌آید. صدا از کف زمین اتاقش بود. او شنید و دید که سرباز عروسکی‌اش که پایش افتاده بود بغل صندلی دارد گریه می‌کند. علی تصمیم گرفت که خیالاتش را باور کند و بای سرباز بیچاره را مثل دخترها عمل کند. برای این کار او مجبور شد اول اتاقش را مرتب کند. کم‌کم دید

خیلی از اسباب‌بازی‌های دیگرش هم خراب هستند. او مثل یک دکتر اسباب‌بازی‌هایش را درست کرد. حتی یکی از ماشین‌هایش را تبدیل به آمبولانس کرد.

من هم همیشه در تخیلاتم عروسک‌هایم را زنده می‌بینم. حتی آنها را با خودم به پارک می‌برم یا با آنها تلویزیون می‌بینم. این‌طوری دیگر تنها نیستم. در تمام تابستان فکر کردم که آنها شاگردهایم هستند و من معلم و با آنها جدول ضرب حفظ کردیم. حتی روی تخته جمع و تفریق‌های فرآیندی می‌نویسم

و با آنها حل می‌کنیم.

کتاب «دکتر عروسک‌ها» از نشر براق منتشر شده است و نقاشی‌های قشنگی دارد.

آرژیکاعمدادی

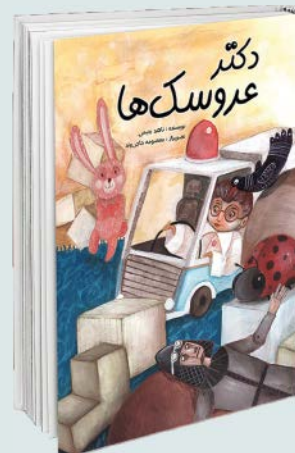
نوجوان
کتابخوان

همیشه یک راه برای حل مشکلات وجود دارد. شاید ما برای حل مشکلات تلاش نکنیم و از بزرگ‌تره‌ایمان کمک بخواهیم، ولی بالاخره باید حل کردن مشکلات

را یاد بگیریم، چون وقتی که بزرگ شویم باید یاد بگیریم روی پای خودمان بایستیم. با خواندن کتاب «دکتر عروسک‌ها» نوشته ناهید رحیمی یاد گرفتم با استفاده از ذهنم کارهایم را پیش ببرم.

بعضی از بزرگ‌ترها حرف‌ها و دنیای بچه‌هایشان را باور نمی‌کنند. ولی خیلی از بچه‌ها خیالات خودشان را دارند. حتی بعضی از آنها موجودات خیالی‌ای دارند که با آنها دوست هستند. مثلاً بعضی وقت‌ها عروسک‌هایشان را در خیال‌شان

زنده می‌بینند. دقیقاً مثل علی، پسر قصه کتاب «دکتر عروسک‌ها» که یک روز مثل همیشه مادر و پدرش کار داشتند و علی تنها بود و حوصله‌اش سر رفته بود تا این‌که به نظرش رسید صدایی می‌شنود. او اول فکر



من هم همیشه

در تخیلاتم

عروسک‌هایم را

زنده می‌بینم.

حتی آنها را

با خودم به پارک

می‌برم

یا با آنها تلویزیون

می‌بینم.

این‌طوری دیگر

تنها نیستم